

پشت بوم

درس‌های زلزله کرمانشاه برای مدیریت فرهنگ و هنر



حسین هاشم‌پور

● وقتی بخشی از جامعه هنری شایعات عجیب‌وغریب فضای مجازی را می‌پذیرند، مدیران فرهنگ و هنر متعجب می‌شوند که چرا اهل هنر باید این دروغ‌های شاذ را باور کنند. یک: زلزله کرمانشاه خیلی چیزها را لرزاند؛ وقتی مردم به‌جای نهادهای رسمی و خبریه‌های دولتی، کمک‌های خود را به چهره‌های شناخته‌شده سپردند، برخی به‌درستی صدای زنگ خطر را شنیدند؛ البته این مطلب در پی کالبدشکافی و یافتن چرایی این ماجرا نیست؛ موضوع این نوشتار این است که سایه این بدگمانی (اگر نویسم بی‌اعتمادی) بلند است و به همه عرصه‌ها، ازجمله فرهنگ و هنر تسری یافته؛ درهمین‌اساس زمانه‌ای است که یک خبر جعلی در تلگرام و اینستاگرام باورپذیرتر از تکذیبیه‌های روابط‌عمومی‌ها می‌شود.

دو: «چرا هنرمندان شایعات را باور می‌کنند؟» تیت‌ر برشی این ستون در ششم مهر ماهی که گذشت بود؛ با این مطلع: «دولت مدعی دست‌آوردهایی است، اما جامعه هنری چشم و گوشش به شایعات است؛ برخی، شبکه‌های مجازی را دلیل این آسیب می‌دانند، اما این همه ماجرا نیست؛ اینکه هنرمندان بی‌اینه می‌دهند یا از طریق رسانه‌ها دیدگاه‌های خود را با دولت در میان می‌گذارند، نه‌تنها تهدید نیست، بلکه دولت باید از چنین روندی استقبال کند. دولت هوشمند، به پشتوانه مطالبات رسانه‌ای‌شده هنرمندان، می‌تواند چانه‌زنی‌های خود در سایر مراکز قدرت را استحکام بخشد، اما اگر بی‌اینه‌های هنرمندان دربارۀ یک موضوع تکرار شود، دولت موظف است شاهراه‌های ارتباطی خود با جامعه هنری را وارسی و آن را نوسازی کند؛ به‌حتم در حلقه‌های اتصال میان مدیریت هنری و هنرمندان اختلال‌هایی وجود دارد که هنرمند تصور می‌کند صدایش به مسئول مربوطه نمی‌رسد و آن را در رسانه‌ها برطنین می‌کنند...

سه: تقلل در شفاف‌سازی و سهل‌انگاری در اطلاع‌رسانی به‌هنگام، بزرگ‌ترین خدمت را به فضاهای مجازی شایعه‌ساز کرده است؛ مدیریت هنری ما باور نکردن تپ‌ها راهسکار، بیش‌فعالی در معاشرت با اهالی این‌ و آنلاین‌بودن در زمینه انتشار اخبار است؛ اهمیت تحلیل و تفسیر به جای خود، اکنون روزگار پیش‌خبرهاست؛ مخاطب امروز هم شنونده صرف نیست، باید در خلق خبر و رویداد مشارکت کند؛ سپردن امور فرهنگ و هنر به اهالی این عرصه به همین معناست.

چهار: روزگاری است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید در یک «اتاق شیشه‌ای» زیست کند، زیرا اگر این صفحات متناک و فحاش مجازی بتوانند میان جامعه هنری و مدیریت هنری فاصله اندازند، وزارت فرهنگ هوشش را از کف می‌دهد؛ کم‌الاینکه این روزها در برخی عرصه‌ها این بیم احساس می‌شود.

پنج: لابد شوخی می‌کنند آنها که می‌گویند برطرف‌کردن این بدگمانی آسان است و بیشتر اشتباه می‌کنند آنها که مدعی‌اند این بازگشت ناممکن است؛ مدیریت فرهنگ و هنر ما باید نسبت به آموزه‌های اطلاع‌رسانی در دنیا۱ امروز به‌روز شود؛ این مهم برای هنر توسعه‌خواه ایران، نقطه عزیمت است و بی‌توجهی به آن به‌زمین‌گیرشدن هنرمان می‌انجامد.

یاد دوست

«ناهِید دایی جواد» بر اثر تصادف در گذشت



● **گروه هنر:** ناهید دایی جواد، خواننده موسیقی سنتی، در ۷۵سالگی بر اثر حادثه رانندگی درگذشت. ناهید دایی جواد فرزند عبدالباقی، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۱ در شهر اصفهان به دنیا آمد و مدرک لیسانس خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان گرفت. دایی جواد در سال ۱۳۴۲ با استخدام آموزش‌پرورش استان اصفهان درآمد و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۷۴ که بازنشسته شد؛ در دبیرستان‌های شهر اصفهان به تدریس ادبیات و زبان فارسی و عربی مشغول بود. وی ۹ سال پیش از انقلاب از رادیو استعفا داد و از سال ۱۳۷۴ تاکنون مشغول تدریس آواز ایرانی در آموزشگاه‌ها بوده است. ناهید دایی جواد در سال ۱۳۸۱ به کنسرت در تهران و در تالارهای وحدت، اندیشه و فرهنگ با مشارکت کیان علی‌نژاد اجرا کرد و پس از آن به‌همراه «کره ایراندخت» تور کنسرتی را در شرق ایالات متحده داشت. آخرین اجرای او در خارج از کشور در بزرگداشت پیرینا در لندن بود. ناهید دایی جواد با اریکست‌کل‌های جواد معروفی در سه‌گاه قسم به خدا، مخالف سه‌گاه ناله بی‌اثر، شوشتری جنگ افسونگر، سه‌گاه آردیاپور، دشتی، افشاری، افشاری آینه، چهارگاه چشم یاری، امتحان غزل حافظ، افشاری آتشین لاله، بیات ترک مثنوی و دشتی غروب کوهستان همکاری داشت.

کیومرث پورا احمد، متولد ۲۵ آذرماه ۱۳۲۸ در نجف‌آباد اصفهان است. این فیلم‌ساز با ساخت آثار درخشانی مانند آلبوم تمبر، شرم، صبح روز بعد، قصه‌های مجید، خواهران غریب، شب یلدا و... خدمات بزرگی به هنر ایران کرده است. حالا ما در آستانه تولدش به سراغ او رفتیم تا یادآوری کنیم که باید از چنین هنرمندانی در سرزمین پهناور ایران حمایت کنیم. حمایت ما این‌گونه مؤثر خواهد بود که شرایطی فراهم کنیم تا او و امثال او همچنان فیلم بسازند و به خلافت‌های هنری خود ادامه دهند و فقط به‌واسطه تصمیماتی از جنس جوان‌گرایی، بزرگان این مرزوبوم را در پشت خط سیاست‌ها نگه نداریم که در آن صورت قضاوت تاریخ بی‌درک ما را محکوم خواهد کرد.

ا حساسی دارید؟ اصلاً نگاهتان به تولد چیست؟

هیچ احساسی ندارم! من تا ۲۸-۳۰سالگی که بچه‌دار شدم و بعد می‌دیدم که برای بچه‌ها تولد می‌گیرند و من هم برای بچه‌هایم تولد گرفتم تازه متوجه شدم که تولد هم می‌توان گرفت! و تازه یادم ماند که روز تولدم چه روزی است. تا آن زمان فقط سال تولدم را می‌دانستم و روزش یادم نبود. بنابراین واقعا احساسی ندارم. به نظر تازه احساسم این است که یک سال از عمر گذشت و فیلم جدیدی نساختم و این احساس خیلی بدی است.

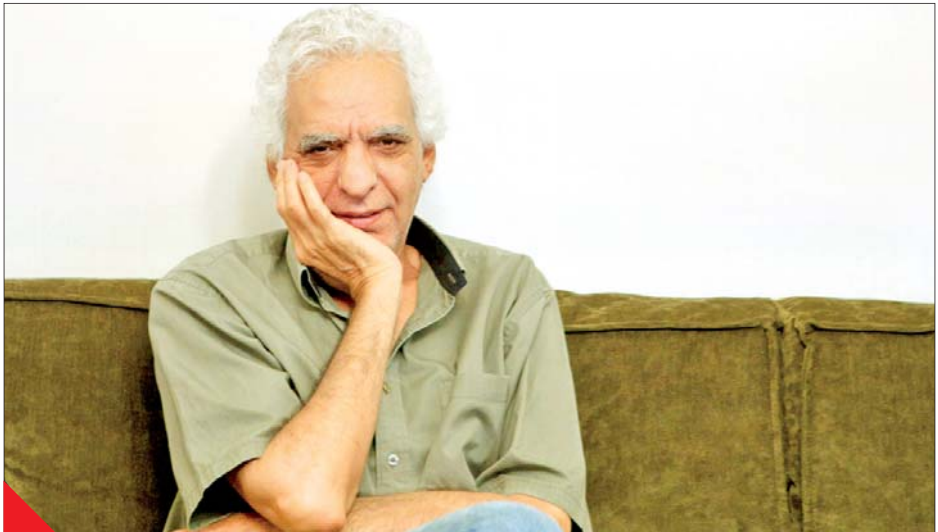
● **معمولا بهترین هدیه‌ای که می‌توان به یک هنرمند داد، این است که بتواند کارش را بدون مسائل حاشیه‌ای انجام دهد. آیا در طول زندگی هنری‌تان تاکنون چنین هدیه‌ای دریافت کرده‌اید؟ اگر دریافت کرده‌اید، کم و کیف آن چگونه بوده؟**

نه! هرگز و هرگز چنین هدیه‌ای دریافت نکرده‌ام. هر فیلم و سریالی که ساختم با دق، زحمت و رنج، با کمبود و فقر و همه این چیزها بوده؛ یک فیلم نبوده که با خیال راحت و سرفرصت و بدون دغدغه بسازم. اصلا نبوده؛ در تلویزیون هر چه که کار کردم همین‌جوری بوده و حتی یک وقتی‌هایی که برای تلویزیون کار می‌کردم، پول نزول می‌کردم تا پول و دستمزد بچه‌ها را سر

گفت‌وگو با کیومرث پورا احمد، به مناسبت تولدش

هیچ‌گاه در برابر کسی تعظیم نکرده‌ام

فرانک آرتا



موقع بدهم. چون دیر پول می‌دادند. خارج از تلویزیون هم همین‌طوری بوده. در این سینمای فقیر فکسنی هیچ‌کدام از فیلم‌هایم را بدون دغدغه کار نکرده‌ام؛ چه بخش خصوصی و چه در بخش دولتی؛ همیشه و همیشه دغدغه و مشکلات داشتم. چون ما که هیچ‌وقت نورچشمی نبودیم، نمی‌توانیم بدون دغدغه فیلم بسازیم. فقط نورچشمی‌ها می‌توانند بدون دغدغه فیلم بسازند و آنهایی که حاضرند به قدرت تعظیم کنند. من هرگز تعظیم نکرده‌ام و نخواهم کرد.

● **مسلمای فیلم‌هایی دارید که نساخته‌اید و فیلم‌نامه‌هایی دارید که ننوخته‌اید. در میان اینها، ترجیح می‌دهید کدام‌یک را بنویسید و بسازید؟**

بله، خیلی و همیشه. معمولا وقتی آشنایی به من می‌رسد، می‌گویم ما همیشه کار تازه داریم، منتها روی کاغذ؛ خب خیلی‌ها اصلا متوجه نمی‌شوند که یعنی چه روی کاغذ. روی کاغذ مرتب از روی بی‌کاری سناریو می‌نویسم. بله چندین و چند سناریو دارم برای اینکه یکی- دوتای آن طبیعتا برایم عزیزتر و مهم‌تر هستند. شاید مهم‌ترین و عزیزترینش «آداب بی‌قراری» رمان یعقوب یادعلی بود که یک‌جورهایی خارج از کشور بحث زیاد شد و حتی قرارداد هم بستیم. ظاهرا طرف می‌خواست از آن قرارداد سواستفاده کند برای مالیات و

اکران «عصبانی نیستم» از ۲۹ آذر

وزیر، کوتاه نیامد

عدم اکران این فیلم نشد. در واقع تصمیم جدیدی درباره این فیلم گرفته نشده است که درباره آن صحبت شود».
شورای صنفی در حالی اکران «عصبانی نیستم» را از ۲۹ آذر قطعی دانسته که اهالی سینما این تصمیم شوروا را به «ایستادگی در مقابل فشارها» تعبیر کرده‌اند.
نصرالله پژمانفر، عضو جبهه پایداری و نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس از قول وزیر ارشاد اعلام کرده بود فیلم سینمایی «عصبانی نیستم» اکران نخواهد شد.
با این وجود، روز گذشته سیدعباس صالحی، وزیر ارشاد در حاشیه مراسم تودیع و معارفه معاون هنری وزارتخانه درخصوص حاشیه‌های ایجادشده برای اکران فیلم «عصبانی نیستم» سخن گفت: «شخص وزیر به مصادیق وارد نمی‌شود و این شورا‌ها هستند که باید به صورت تخصصی مصادیق

نشستی با اولافور آرنالدز، نوازنده ايسلندی در تهران

ایرانی‌ها حیرت‌زده‌ام کرده‌اند



پشت کامپیوتر می‌روم و آن را بررسی می‌کنم. تصمیم می‌گیرم که آن را در بخش اصلی کار قرار دهم یا از در بخش‌های دیگر ملودی اصلی استفاده کنم. بعد از به‌نتیجه‌رسیدن، نوبت به سازهای زهی می‌رسد که در اکثر کارهایم حضور دارند. مانند ویلن و ویلن سل و آن را به اثر اضافه می‌کنم. من همه‌چیز را از همان اول ضبط می‌کنم. زیرا هر صدایی از موسیقی، خود موسیقی است و با این روش، احساس واقعی بیان می‌شود».
یکی از حصار در مورد نام‌گذاری هر قطعه از او پرسید و اینکه بسیاری از آثار او نام مکانی است که او آن اثر را آنجا تولید کرده. اولافور در پاسخ گفت: «اتفاقا دیروز با موبایل خود قطعه‌ای ساختم و اسم آن را «تهران شماره ۱» گذاشتم». حصار با هیجان او را تشویق کردند. او گفت: «این کار را انجام می‌دهم تا به یاد داشته باشم هر قطعه را کجا ساختم‌ام و ارتباطم را با آن مکان به خاطر داشته باشم. تمام قطعه‌هایی که با تلفن همراه خود ساختم به نام آن روز یا آن مکان است».

اولافور در ادامه درباره فراگیری کارهایش از طریق اینترنت‌ صحبت کرد و گفت: «من اولین اثر خود را در سال ۲۰۰۶ ساختم و آن را در My Space قرار دادم و مورد توجه افراد زیادی در سراسر جهان قرار گرفت و

هنر

زیر آسمان فیزوهای

برگزاری مراسم پایانی جایزه «شعر شاملو»



● مراسم اعلام برگزیده‌های جایزه «شعر احمد شاملو» امروز برگزار می‌شود. بر اساس خبر رسیده، این مراسم از سوی مؤسسه الف. بامداد، امروز ساعت ۱۸ تا ۲۰ در کانون زبان فارسی برگزار خواهد شد. کانون زبان فارسی (باغ موقوفات دکتر محمود افشار) در خیابان ولیعصر، سه‌راه زعفرانیه، خیابان عارف‌نسب، شماره ۱۲ واقع است. پیش از این، آثار راه‌یافته به مرحله دوم جایزه «شاملو» به این شرح معرفی شده بودند: ۱.«آشوتیس خصوصی من» از حسن همایون، نشر چشمه. ۲. «باران شغال» از مهدی مقیم‌نژاد، نشر حرفه هنرمند. ۳. «تاریخ تبری» از مرتضی بخشایش، انتشارات بوتیمار. ۴. «چند صورت از مستی» از سمیرا یحیایی، نشر حکمت‌کلمه. ۵. «در هیأت راهبیه‌ها» از محمد درودگری، کتاب فانوس. ۶. «ریل‌ها پیش از ما رفتند» از علی یاری، انتشارات بوتیمار. ۷. «سرزدن» از فریاد ناصری، نشر حکمت‌کلمه. ۸. «مات» از زهرا حیدری، نشر شانی. ۹. «من کمسی آدم کم آورده‌ام» از شکوه مقیمی، نشر غنچه. ۱۰.«واژه‌ها به دین من آمدند» از شمس لنگرودی، انتشارات نگاه. ۱۱. «وطن» از مهدی اخوان‌لنگرودی، انتشارات سرزمین اهورایی.

بزرگداشتی برای آذرتاش آذرنوش

● **گروه‌هنر:** بزرگداشت استاد دکتر آذرتاش آذرنوش روز چهارشنبه، ۲۲ آذر، برگزار می‌شود. به گزارش الف کتاب، این نشست به‌منظور

آشنایی با زندگی و فعالیت‌های استاد دکتر آذرتاش آذرنوش به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می‌شود. این نشست چهارشنبه، ۲۲ آذر، ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۳۰ در تالار اجتماعات شهید مطهری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به نشانی خیابان ولیعصر(عج)، پل امیریه‌ادر، خیابان سرلشکر بشیری، پلاک ۷۱ برگزار خواهد شد.

بررسی پیشینه موج نو در سینمای ایران

● **گروه هنر:** مدتی است که جلسات «کتاب و قهوه» به همت شماری از نویسندگان و منتقدان کتاب، به منظور بازنشاسی و ارتقای مهارت‌های کتاب‌خوانی در خانه کتاب نشر دف برگزار می‌شود. در دو جلسه قبل، شناخت عناصر داستان در آثار ابراهیم گلستان، مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه، این هفتگ به دعوت نویسندگان؛ پویک مجابی و فرزانه کریمپور، سومین جلسه شناخت آثار گلستان با حضور پرویز جاهد (منتقد و نویسنده صاحب‌نام سینما) و با رویکرد شناخت عناصر داستان در فیلم خشت و آینه، مباحث مربوط به ابراهیم گلستان پایان می‌یابد. این نشست همچنین دومین جلسه بررسی پیشینه «موج نو در سینمای ایران» همراه با پرویز جاهد در خانه کتاب نشر دف بوده و حضور علاقه‌مندان در این نشست آزاد است. خانه کتاب نشر دف، زیر پل سیدخندان، حفافصل شریعتی تا سهروردی، شماره ۶۴، واقع است.
تلفن: ۰۸۸۵۰۱۸۱۲.

«پیمان یزدانیان» برنده یک جایزه‌از سوندشد

● **گروه هنر:** پیمان یزدانیان، آهنگ‌ساز ایرانی، برنده جایزه بهترین موسیقی متن فیلم از هفتمین دوره جشنواره فیلم مالمو در سوند برای ساخت موسیقی فیلم «تنها مردان به کورستان می‌روند» شد. این فیلم ساخته عبدالله عبی، کارگردان اماراتی، است. یزدانیان که ساخت موسیقی فیلم‌های ماندربنی (چینی)زبان را از کشورهای چین، تایوان و هنگ‌کنگ بارها انجام داده و برای آنها دو جایزه معتبر جهانی اسب طلایی (کلدن هورس) را که به اسکار سینمای آسیا شهرت دارد، در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ دریافت کرده، اولین‌باری است که در فیلم‌ساز عرب همکاری داشته است. او در فستیوال کن امسال هم با فیلم ایرانی «لرد» و فیلم چینی «Walking past the future»، تنها آهنگ‌ساز فستیوال بود که با دو فیلم در این جشنواره شرکت داشت. یزدانیان به دلیل مشغله‌هایش برای ساخت موسیقی فیلم جدید بهمن فرمان‌آرا در مراسم اهدای جوایز حضور نداشت.